

سوابق زندگی و مطالعات

کشور اصلی من افغانستان است. پدر من ساکن مرکز لوگر بود که تقریباً پنجاه کیلومتر به طرف جنوب کابل وقوع دارد.

پدر من پاینده محمد خان رتبه‌کندک مشری را با لقب بهادر خان در اردوی افغان داشت. او در تمام کشور بنام کرنیل بهادر خان شناخته می‌شد. پدر من دو خانم داشت، خانم اولی از خویشاوندان قریب خودش بود. آن خانم برایش سه دختر آورد ولی بچه نیاورد لهذا برای اینکه خانواده از بین نرود، او با دختر سید محمود آغا که یکی از خانواده‌های نجیب و مشهور افغانستان بود عروسی کرد، که برادر کوچک ام تاج محمد خان و من ثمره این عروسی بودیم.

بعد از سپری شدن مدت کوتاهی از رسیدن امید عبدالرحمان خان از روسیه و نشستن او به تخت کابل شش نفر شخصیت مشهور مملکت را گرفتار و آنها را به گوشه‌های نامعلوم اعزام کردند. و بالاخره اعدام شدند. در بین شش نفر یکی آن پدر من بود. بعداً به مصیبت دوم گرفتار شدیم. نظر به دلایل سیاسی دو ماماهایم سید خدا داد آقا و سید مقصود آقا که در قندهار به همراهی سردار محمد ایوب خان بودند بعد از شکست سردار ایوب خان و پناه بردن اش به هندوستان آنها گرفتار و زنجیر پیچ به کابل فرستاده شدند که بعد از مدت زندان به هندوستان تبعید گردیدند. چندی بعد مامای سومی من سید احمد شاه آقا که نوبالغ بود به همراهی مادر و خادمین شان به اجازه امیر به هندوستان آمدند. در حالیکه متباقی خویشاوندان من در کابل ماندند.

بمجرد رسیدن به هندوستان در حسن ابدال مسکن گرین شدند. نظر به مشکلات سیاسی تمام خانواده کابل را ترک کرده و به حسن ابدال آمدیم.

بعد از چند ماه مادر من در گذشت. بالاخره به اثر آشتی شدن امیر عبدالرحمان خان و خانواده من بدون سه مامایم و خودم به مملکت اصلی خود مراجعت کردند. بعداً من به دهلی رفتم و در مدرسه فتح پوری داخل شدم تا تعلیمات عربی خود را تکمیل نمایم. در آن وقت مولوی کلان مدرسه مولانا عبدالجلیل یک پشتون خالص از ضلع نوشهره و مولوی دوم فتح محمد خان قندهاری بود.

به اثر توجه مخصوص این آقایان تعلیمات خود را در رشته منطق تکمیل کردم و به موضوعات عنعنوی و تبلیغات رجوع کردم. در طول روز با همصنفان خود درس میخواندم و در شب‌ها از عبدالجلیل درس خصوصی فرا می‌گرفتم. و بدین لحاظ به اثر لطف خداوند من در این مضامین کاملاً فایق شدم.